

بقلم آقای خلیل تمدن

رئیس دادگاه جنحه اصفهان

قانون کیفر چاقوگشان

تعارض بین دو قانون

پس از وقایع شهریور ماه ۱۳۲۰ ارادل و اوباش که همه وقت منتظر و مترصد فرصت هستند از آزادی سوء استفاده نموده و کلمه آزادی را به معنی انجام کسینختگی تلقی و باعمال زشت و ناپسند که یکی از آنها چاقوگشی است مبادرت ورزیدند و بطوری این عمل زشت و ناهنجار در مرکز و شهرستانها شایع شد که با وجود هوادی در قانون کیفر عمومی (مواد: ۱۷۱-۱۷۲-۱۷۳) راجع باین قبیل جرائم دولت ناگزیر گشت که قانون نسبتاً شدید تری در بزه چاقوگشی از مجلس بگذراند و در نتیجه ضمن اصلاح موادی چند از قانون کیفر عمومی در تاریخ ۴ مردادماه ۱۳۲۲ يك تبصره بماده ۱۷۳ قانون نامبرده اضافه و بموجب تبصره مزبور کیفر جرح بوسیله چاقو با هر نوع اسلحه دیگر شدیدتر شده و علاوه بر حبس از پنجاهالی دو بیست ضربه شلاق قانون گزار مقرر داشته است و چنانچه عمل هم مشمول قسمت اخیر ماده ۱۷۳ قانون کیفر عمومی باشد تعقیب منوط بشکایت مدعی خصوصی نخواهد بود و در صورت اقتضاء دادرس دادگاه میتواند در ضمن حکم خود اشعار دارد که شلاق در ملاء عمومی اجراء گردد؛ لیکن با تصویب این قانون در نتیجه تجری ارادل و اوباش و شیوع جرائم چاقوگشی و جیب بری و غیره و وصول گزارشهای متوالی استانداران و فرمانداران و دادستانها از شهرستانها بوزارتین دادگستری و کشور بفاصله چند روز بعد قانون دیگری از مجلس گذشت (قانون مجازات اشخاص بد سابقه و شرور مصوبه ۱۳ مردادماه ۱۳۲۲ که بموجب آن وزارت کشور میتواند طبق آئین نامه که بتصویب هیئت وزیران میرسد اشخاص بد سابقه و شرور را از قبیل چاقوگش و دزد و جیب بر و امثال آنها که

یا باز داشت نماید. هر دو قانون فوق الذکر الان لازم الاجراء است و در اکثر استانها و شهرستانها بموقع اجراء گذارده شده است. با ملاحظه دو قانون نامبرده در بدو امر توهم میرود که بین این دو قانون تعارضی حاصل است باین معنی که بکنفر چاقوکش بزهار ممکن است از دو مرجع صلاحیت دار (وزارت کشور و دادگاههای عمومی) در زمان واحدی دو کیفر یابد و برای مثال و نمونه متذکر میشود: از طرف نگارنده در دادگاه جنحه بکنفر چاقوکش محکوم بسه ماه حبس و صد ضربه شلاق گردید و پس از اعلام رأی بمشارایه اظهار داشت که از طرف کمیسیون استان طبق قانون اخیر بهشت ماه بازداشت کیفر یافته ام و آیا هر دو کیفر در باره من اجراء میشود یا یکی از دو کیفر معینه. با توجه بموضوع فوق نسبت بچنین بزه کاری چه باید کرد و طرز اجراء دو قانون متعارض چیست؟ بنظر نگارنده با اندک دقتی تعارضی در بین نبوده و ممکن است اشکال فوق را حل نمود زیرا: اولاً قانونیکه بوزارت کشور اختیاراتی داده دارای اثر کیفری نیست چه که کیفر معینه بازداشت و یا تبعید است و بازداشت غیر از حبس و محکومیت قطعی است و از همین نقطه نظر هم در آئین نامه مربوطه اختیار داده شده که پس از اجراء بازداشت ممکن است در کمیت آن تجدید نظر نمود و بازداشت بدوی حتمی الاجراء نیست و در قسمت تبعید هم گرچه یکی از کیفرهای جنائی است ولی چون در قانون کیفر عمومی تبعید بایستی توأم با حبس باشد و در این قانون تبعید به تنهایی مقرر شده از اینجهت نمیتوان در ردیف محکومیت دانست و قابل تجدید نظر خواهد بود بویژه آنکه تبعید و حبس هم بر فرض مواجه شدن با آن معارض یکدیگر نیست و از همین نقطه نظر در آئین نامه مربوطه دادستان محل را شرکت در کمیسیون داده اند که در صورت مواجه شدن باین اشکالات موضوع را مطرح نظر قرار داده و مشکل را مرتفع سازد.

ثانیاً - بازداشت و تبعیدیکه از طرف وزارت کشور بعمل میآید و ملازمه با ارتکاب عمل از طرف تبعید شده و با بازداشت ندارد که پس از ارتکاب بزه کیفر یابد

بلکه صرف سوء سابقه برای اجراء قانون فوق‌الذکر کافی است و در حقیقت کیفر مزبور قصاص قبل از جنایت است در حالیکه کیفر معینه در تبصره الحاقی بماده ۱۷۳ قانون کیفر عمومی ملازمه با وقوع فعل و ارتکاب بزه و قطعیت دادنامه صادره از طرف دادگاه صادرکننده حکم دارد و حکم هم پس از قطعیت لازم الاجراء خواهد بود و با این وصف با توجه بمثالی که فوقاً آورده شد وظیفه دادستان محل است که پس از اجرای حکم دادگاه چنانچه شخص محکوم از طرف کمیسیون شهرستان یا استان هم کیفری یافته که زائد بر حکم دادگاه باشد و یا تبعید به تنهایی باشد حبس مقرر را ضمن بازداشت معینه احتساب و بقیه بازداشت وی را در صورت تنبه مجرم پیشنهاد عفو و در صورت عدم تأثیر و تنبه بیازداشت وی ادامه دهد و بهمین طریق در قسمت تبعید پس از خانمه مدت محکومیت که از طرف دادگاه تعیین شده چنانچه در کمیسیون استان و شهرستان کافی بنظر رسید از تبعیدیکه کمیسیون مقرر داشته صرفنظر و الا پس از اتمام محکومیت به تبعید وی اقدام نماید.

با ذکر مقال فوق در نظر نگارنده قانون کیفر اشخاص بد سابقه و شرور (مصوب ۱۳۰۵ ر ۲۲) بهیچوجه با حکومت مشروطه و دموکراسی وفق نمیدهد و یکی از قوانینی است که برخلاف اصل عدالت و استقلال قوه قضائی است زیرا:

الف - بصره بدی سابقه و پیشینه و قبل از ارتکاب بزه برخلاف حق و عدالت است که کسی را مجازات نموده زیرا برای انجام عمل زشت خود قبلاً مجازات شده است و ممکن است که کیفر اخیر موجب تنبه او شده باشد باضافه خیلی اشخاص هستند که با سابقه شرارت و دزدی و جیب‌بری و غیره مدتی است که دست از عمل شوم خود کشیده و بکسب و پیشه‌وری اشتغال دارند و برخلاف انصاف است که با عدم ارتکاب عملی از آنها سلب آزادی شود و این اقدام نتیجه معکوس بخشیده و مجدداً آنها را باعمال زشت و اداار مینماید.

ب - قانون فوق‌الذکر لطمه بزرگی باستقلال قوه قضائیه کشور زده و بیک کمیسیون

اداری اختیارات قضائی از قبیل بازداشت و تبعید داده است آن هم بدون بازجوئی و تشریفات قانونی و گویا نظر قانون گزار و دولت این بوده است که اشخاص شرور و بدکردار با سرعت و شدت هرچه تمامتر کیفر یابند غافل از اینکه کیفر و مجازات باید در مقابل فعل انجام شده باشد آن هم بوسیله کاردان فنی (مأمورین کشف جرائم و محاکم مربوطه). آیا بهتر نبود که بجای این قانون هنگام دادرسی نخستین این قبیل اشخاص (در محاکم عمومی) حکم بدوی را اعم از غیابی و حضوری پس از ابلاغ بمنتهی قطعی و لازم الاجرا بدانند که هم نظریه دولت (تشدید و تسریع در رسیدگی) تأمین شده و هم قوه قضائیه کشور محفوظ مانده و هم قصاص قبل از جنایت نمی شد ما نظر صائب جناب آقای وزیر دادستری را باین موضوع معطوف داشته و رجاء واثق است که بمحض افتتاح دوره چهاردهم تقنینیه ضمن لایحه اصلاحی نظریه فوق را تأمین فرمایند.

نگارش آقای علی اصغر شریف

قانون متهم بودجه و مقررات کیفری آن

قوانین متهم بودجه در ایران فریادرس و حلال مشکلاتی است که دست وزارتخانه های مختلف را در حل قضایای عادی و فوق العاده یا مسائل پیش بینی نشده باز گذارده است از طرف دیگر کفاره بی تربیتی ها و کار شکنی های اداری و مفسر معضلات قانونی دوائر مختلفه کشور بوده و در عین حال مصلح اختلاف نظرهای افکار کج و پریشان متصدیان امور است.

در حقیقت قانون متهم بودجه جنگی است مرکب از انواع قوانین مالیاتی - قضائی - کیفری - فرهنگی - کشاورزی - ترفیعاتی - تشکیلاتی و خلاصه آنچه حوائج و خصوصیات روزمره ادارات را برآورده میسازد آزادانه فصلی برای خود گشوده است: